

درنگی بر "چونکه عیبش بنمودی، هنرش نیز بگو"

با پذیرفتن این اصل قبول شده که هرکس میتواند نظر خاص خود را داشته باشد و اظهار نظر آزاد است، محترم "نوری صاحب"، که یک شخصیت سخت وطن دوست و آزاده و یک نویسنده صاحب نظر است و توانا و پرکار و سخت کوش، نوشته دارند که از نگاه این کمترین اندکی قابل تأمل می نماید. میکوشم درنگی داشته باشم بر آن نوشته پربار شان، زیر عنوان "چونکه عیبش بنمودی هنرش نیز بگو". اما قبل از پرداختن به این مأمول، باید متذکر شد که نوشته متذکره نمایانگر دل صاف و عشق و محبت بی پایان جناب "نوری" صاحب، به مردم و میهن است و خواسته اند تا همین روزن کوچک (خوب یا بد)، بروی یک مشت خانواده های بی بضاعت بسته نگردیده و یک قرص نان گرم و یک جرعه آب سرد و یک دنیا امید و آرزوی شان، با خاک سیاه یکسان نگردد. اما و مگر باید دقت کرد که آن قرص نان گرم و جرعه آب سرد، به کدام قیمت میسر میگردد، که آنهم امروز است و فردا نخواهد بود. شاعر شیرین کلامی چه خوش گفته است:

دست طلب که پیش کسان میکنی دراز پُل بسته ئی که بگذری از آبروی خویش

و اما باید گفت که برداشت هموطنان ما از گزارش نشریه آمریکائی (وانیتی فیر)، طبق معمول مختلف بوده است و مذمت و بدگویی در کار نبوده است، ورنه من یقین کامل دارم که درست مانند این قلم و محترم (نوری صاحب)، اکثریت قریب به قاطع هموطنان، با جناب "احسان الله بیات" نه شناخت نزدیک دارند و نه هم با ایشان پیوند خونی، پس میتوان گفت که هیچگونه دشمنی و مخالفت شخصی، و نیز هیچ نوع مذمت و بدگویی هم در کار نبوده است و نیست. آنچه در اینجا مورد بحث است، فقط و فقط از روی عشق و علاقه و دلسوزی به مردم شریف و برباد رفته افغانستان است و بس.

هر کس به طریقی صفت و حمد تو گوید بلبل به نوا خوانی و قمری به ترانه

نمی دانم چه اعتراضی در این نهفته است که همچو راز ها و پلان های استخباراتی، حتماً باید بوسیله خود افغانها افشاء گردند تا مورد قبول قرار گیرند و اگر همچو اسرار بوسیله خبرنگاران خارجی گزارش داده شود، "بیجا و نابجا و حتی نامورد"، است. این در حالیست که در اکثر همچو مسائل و گزارشات، عکس قضیه صادق است. از جانب دیگر چگونه باید از گماشتگان بیگانه توقع داشت تا خلاف خواسته و خلاف منافع اربابان خارجی شان و خلاف منافع آزمندان شخصی شان، دست به همچو افشاگری ها زنند؟ در اینجا صرف مشت نمونه خروار و زره از بسیار، نظر به گزارش (وانیتی فیر) و نظر به ارتباط با موضوع مورد بحث، از جناب "بیات"، ذکر خیری به عمل آمده است. حساب سرمایه داران و سود خواران دیگر که "در رود های یورو و دلار شنا میکنند"، جدا است و گر ضرورت افتد، جدا خواهد آمد. نشانه گرفتن آقای "بیات"، در حقیقت با یک تیر چندین نشانه را هدف قرار دادن است. "گر در خانه کس است، یک حرف بس است".

حاتم بخشی آمریکائی ها به جناب "بیات"، چه سی میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰) دلار بوده باشد، چه هفتاد میلیون (۷۰۰۰۰۰۰۰) دلار، یا بیشتر یا کمتر، پلان های شومی را در قبال دارد که گذشت زمان پرده از آنها برخواهد داشت. به یقین اینرا همه خوب میدانند که قدرت های خارجی حتی یک حبه و دینار خود را به اصطلاح "خدای په جات"، به کسی نمی دهند. به یاد بیآوریم حاتم بخشی های آخند های ایران را به کرزی و داوود زی و چادر و چادر نماز و بقره و دلاق، تحفه احمدی نژاد به سپیناها و امثال شان را. آیا ادعا کرده میتوانیم که آن یکی بد بود و این یکی خوب است؟

امریکائی ها نه تنها هفتاد میلیون دلار، بلکه هزاران میلیون دلار را به کیسه های جنگ سالاران شورای نظار انداخت تا پیشمرگان عساکر آمریکائی گردند و راه هجوم به کشور را برای آنان باز نمایند. اما از عبدالله و فهیم و قانونی و ربانی و سیاف ها و... بیشتر از این هم توقع نباید داشت، چه گفته اند:

نیش عقرب نه از ره کین است اقتضای طبیعت اش اینست

اما از جناب "بیات"، که نه جنگ سالار بود و نه جنگ آور و جنگجو و جنگ طلب و . . . ، و نه اقتضای طبیعت اش نیز زدن بود، چنین توقع نمی‌رفت. اینست که یخن آنان را باید گذاشت، و یخن این را باید چسبید. چرا باید چنین کرد؟ زیرا از عرق و مار و کفچه مار و مار زنگی، بجز نیش زدن، توقع دیگری داشتن، خطاست. اما از یک به اصطلاح "دایهٔ مهربانتر از مادر"، نیش زدن و از پشت خنجر زهرآگین را به گردهٔ مردم مظلوم و جنگ زدهٔ افغانستان، فرو بردن، سخت درد آور و درد انگیز و سوزناک است.

برای " احمد شاه مسعود"، که ذکر خیرش در نوشتهٔ محترم (نوری صاحب)، رفته است، حکومت دست نشاندهٔ امریکا، لقب " قهرمان ملی "، ارزانی داشته است، همانگونه که به فهیم و عبدالله و قانونی و بسم الله و عطامحمد نور و ربانی و مجددی و سیاف و امثال شان، چوکی های وزارت و ولایت و . . . ، و القاب مارشال و جنرال و . . . ، ارزانی داشته شده است. ملت و مردم کوچکترین نقشی در آن نداشته و هرگز هم این حاتم بخشی ها را نپذیرفته است. امریکائی ها قرار معلوم اینبار از مجرا های مختلف وارد کار زار و وارد معرکه، گردیده و برای ایجننت های خود، پوشش های قابل قبول برای جامعهٔ افغان را ترتیب نموده است و این یکی از آنها تواند بود. اجنبی ها از دل صاف و پاک مردم افغانستان بخوبی مطلع اند و میدانند که یگانه راه و روش نفوذ کردن بین مردم افغانستان، بدست آوردن دل های شان است. قرار معلوم در این کار تا کنون موفق بوده اند.

جاسوس بودن و گماشتهٔ اجنبی بودن جناب "بیات"، تا هنوز تثبیت نشده است و شاید هم هرگز، تثبیت نشود، اما جناب شان نظر به امکانات نا محدود ایکه در اختیار دارند، میتوانند و قادر به این هستند تا از حیثیت و شخصیت خود، در همین امریکا، به دفاع برخیزند و ثابت سازند که جاسوس و گماشتهٔ اجنبی نبوده و نیستند. ولی ما را عجب آید که چنین کنند. با فرو افتادن یک پرده، میتواند چندین پردهٔ دیگر نیز فرو افتد، درست مانند یک باطلاق که هرچه در آن بیشتر دست و پا زده شود، بیشر فرو و فروتر می‌رود و آقای بیات با یک دوسیهٔ دیگر که در لندن دارند، از این اصل کاملاً واقف اند. می‌گذریم از اینکه آن جناب چه ضرورتی برای ممانعت از سقوط یک تلویزیون به شدت غیر ملی و کاملاً خنثی، احساس می‌کردند. آیا میتواند این قضیه هم سر نخ در "سیا"، داشته باشد؟

درست است که به سادگی نمیتوان از اعمار مکاتب و شفاخانه ها و مساجد و . . . ، توسط جناب " بیات "، در نقاط مختلف افغانستان، چشم پوشی نمود، اما اگر این همه کار و خدمت، سرپوشی باشد برای پیاپی نمودن نقشه ها و پلان های شوم و خانه برانداز اجنبی، دیگر با صراحت میتوان گفت که از بود آن، نبودش به.

ما همه شاهدیم که کمک های نقدی و جنسی و مواد غذایی " بنیاد بیات"، در ده سال گذشته، به پیهم و متواتر به محتاجان و بینوایان افغان در گوشه و کنار سرزمین سوختهٔ ما، میرسد و . . . ، اما با تأسف باید گفت که این دلسوزی ها و دلسوخاندن ها، حتی اگر از دل صاف هم سرچشمه گرفته باشد و غرض و مرضی هم در آن نهفته نباشد، امروز دیگر به یک عادت برای همان طبقه افراد مبدل گشته است و آنان را از کار و بار و فعالیت حلال، باز داشته و به دست نگر ها و چشم به در دوختن و گوش به زنگ بودن، مبدل ساخته است، غافل از اینکه :

آبرو یک قطره آبیست، اما چون چکید پایۀ دیوار عزت را کم از سیلاب نیست

نیک میدانیم که احمد و محمود و کلبی و مقصود، چگونه مملکت را به تباهی و نابودی کشانیدند و هست و بود مردم و مملکت را به یغما بردند و از کشته ها، پشته ها ساختند و . . . ، حساب آنها جدا است و با آنها جدا محاسبه خواهد شد، اما از "بیات" ها که دست شان بخون هموطنان ما رنگین نبوده و در یک دههٔ پسین، بسیار امید ها و آرزو ها به آنان بسته بوده است، چنین توقع نمی‌رفت. از اینجاست که درد این یکی، جگر سوز است و زخم آن ناسور. ایکاش در قضاوت خود، به اشتباه رفته باشیم و ایکاش جناب محترم (نوری صاحب)، در برداشت شان نسبت به آقای "بیات"، حق بجانب باشند، که ما را آرزویی جز این نیست.

خدا کند آقای "بیات"، موفق گردند چند هموطن ما را میلیونر سازند، اما نه بقیمت آبروی شان. خدا کند گرسنگان سرزمین جنگ زدهٔ ما را، سیر سازند، اما نه آنقدر که از فرط خوردن، روانۀ شفاخانه ها. مسابقات " پرخوری"، در تلویزیون آریانا، هیچ درد ملت را دوا و هیچ مشکل شانرا، مشکل گشا، نیست.

همه به این امر واقف هستیم و همه تأیید خواهیم کرد که تلویزیون آریانا، پروگرام های سودمند سیاسی - فرهنگی و معلوماتی خوبی برای هموطنان تهیه نموده است، اما دعوت از جنایتکاران جنگی به حیث کارشناس مسائل نظامی - سیاسی و یا هم هنری و ادبی، جفای دیگریست که در حق مردم درد دیدهٔ افغانستان، دانسته یا نا دانسته، روا داشته میشود که بجز پاشیدن نمک بر زخم های فراوان هموطنان داغ دیدهٔ ما، چیز دیگر نمی تواند باشد. و چنین است دعوت از " احمد مرید" ها و امثال شان.

در مورد پروگرام بسیار براننده و پر احساس " قصه های جنگ "، این قلم چند بار در همین صفحه، قدر دانی نموده است که در آرشیف پورتال موجود است، اما باز هم چون ناگفته ها گفته آمد، باید خاطر نشان نمود که هرگز در هیچ یک از آن پروگرام ها، جنگ سالار یا جنگ سالاران ای، نشانی نشده اند، که البته در شرایط کنونی، قابل فهم است. برای تهیه کنندگان آن برنامه ها توفیق مزید خواهانم.

در خاتمه باید بار دیگر متذکر گردید که به هیچ صورت از کارهای نیک و بشرخواهانه "بیات" و نیز " بنیاد بیات"، نمی توان چشم پوشی نمود و نیز هیچ نوع خصومت شخصی با ایشان در کار نیست و تلویزیون آریانا و نیز " افغان بیسیم"، هر دو غنیمت بزرگی برای مردم افغانستان است و اما تلویزیون "نور"؟! امید میرود که جناب "بیات"، این لکه ننگ را که گویا نشریه "وانیتی فیر"، بر دامن پاک شان ، نشانده است، بزودی بزدايند و نیز در برنامه های هر دو تلویزیون خود، تغییراتی بیاورند و ثابت سازند که زیر کاسه، نیم کاسه ئی در کار نیست.

پایان